ISSN: 2717-3216 Volume 11, Issue 1 (2024), 18-34 https://www.ijfpjournal.ir/

Iranian Journal of Family Psychology

Research Paper

10.22034/ijfp.2024.2025617.1308

The Structural Relationship of Self-Differentiation and Childhood Trauma and Mothers' Marital Conflict of Children with Special Needs: The Mediating Role of Psychological Capital

Fatemeh Jafarpour Zeidehsaraei[1], Reza Soltani shal[2*], Iraj Shakrinia[3]

1. MA in Psychology, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.
3. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

Article Info.

Received: 28 March 2024

Revised: 18 July 2024

Accepted: 15 August 2024

Keywords:

Marital conflict, self-differentiation, childhood trauma, psychological capital

Abstract

Abstract

Family atmosphere plays an important role in the quality of life of family members. If it suffers from conflicts, it can lose its status as a secure psychological foundation. Marital conflicts have been identified as one of the most common problems in families, especially in families with children with special needs. Thus, the current research study tried to investigate the mediating role of psychological capital in the relationship of childhood trauma and self-differentiation with marital conflict of mothers of children with special needs. This research study was a cross-sectional descriptive study using structural equation modeling. The statistical population of the study included mothers of children with special needs in Rasht in 2023. Among them, 220 mothers of children with special needs in Rasht were selected as samples. To collect data, Childhood Trauma (Bernstein et al., 2003), Self-Differentiation (Skowron & Friedlander, 1998), Marital Conflict (Sanaei Zaker & Barati, 2005), and Psychological Capital (Luthans et al., 2007) questionnaires were used. The research findings showed that Psychological Capital played a mediating role in the relationship of childhood trauma and self-differentiation with marital conflict of mothers of children with special needs ($P < 0.05$). Therefore, it can be concluded that psychological capital can moderate the relationship of self-differentiation and traumatic childhood experiences with marital conflicts.

*Corresponding author
Email: Reza.SoltaniShal@Guilan.ac.ir

How to Cite:
Jafarpour Zeidehsaraei, F., Soltani shal, R., Shakrinia, I. (2024). The Structural Relationship of Self-Differentiation and Childhood Trauma and Mothers' Marital Conflict of Children with Special Needs: The Mediating Role of Psychological Capital. *Iranian Journal of Family Psychology. 11*(1), 18-34.

ISSN: 2717-3216 https://www.ijfpjournal.ir/

روانشناسی خانواده
دوره یازدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳



مقاله پژوهشی

رابطه ساختاری تمایزیافتگی خود و آسیب دوران کودکی با تعارضات زناشویی والدین کودکان با نیازهای ویژه: نقش واسطه‌گری سرمایه روان‌شناختی

فاطمه جعفرپور زیده سرایی[۱]، رضا سلطانی شال[۲*]، ایرج شاکری نیا[۳]

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای ویژه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
۲. استادیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
۳. دانشیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۲۸

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵

کلیدواژه‌ها:

تعارضات زناشویی،

تمایزیافتگی خود،

آسیب دوران کودکی،

سرمایه روان‌شناختی

چکیده

محیط خانواده نقش مهمی در تأمین کیفیت زندگی اعضای خود دارد و چنانچه این محیط دچار تعارضات شود، جایگاه خود به عنوان یک پایگاه امن روان‌شناختی را از دست می‌دهد. تعارضات زناشویی به عنوان یکی از شایع‌ترین مشکلات در حوزه خانواده به‌ویژه در میان خانواده‌های دارای فرزندان با نیازهای ویژه شناسایی شده است. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی در رابطه میان تمایزیافتگی خود و آسیب دوران کودکی با تعارضات زناشویی والدین کودکان با نیازهای ویژه بود. این پژوهش، یک مطالعه توصیفی-مقطعی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را مادران کودکان با نیازهای ویژه شهر رشت در سال ۱۴۰۲ تشکیل دادند. از این بین ۲۲۰ نفر از مادران کودکان با نیازهای ویژه شهر رشت به عنوان نمونه به صورت دردسترس انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های تمایزیافتگی خود اسکورن و فرایندلندر (DSI)، پرسش‌نامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز و آویلو (PCQ)، پرسش‌نامهٔ تجارب آسیب‌زای دوران کودکی برنستاین و همکاران (CTQ)، پرسش‌نامه تعارض زناشویی ثنایی و براتی (MCQ) استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد مدل پیشنهادی از برازش مطلوب برخوردار است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که سرمایه روان‌شناختی در ارتباط بین تمایزیافتگی خود و آسیب دوران کودکی با تعارضات زناشویی والدین کودکان با نیازهای ویژه نقش میانجی دارد (P<۰/۰۵). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه روان‌شناختی قابلیت آن را دارد که اثرات ارتباط بین تمایزیافتگی خود، تجارب آسیب‌زای دوران کودکی با تعارضات زناشویی را تعدیل نماید.

***نویسنده مسئول:**

پست الکترونیکی: Reza.SoltaniShal@Guilan.ac.ir

استناد به این مقاله:

جعفرپور زیده سرایی، فاطمه، سلطانی شال، رضا، شاکری نیا، ایرج (۱۴۰۳). رابطه ساختاری تمایزیافتگی خود و آسیب دوران کودکی با تعارضات زناشویی والدین کودکان با نیازهای ویژه: نقش واسطه‌گری سرمایه روان‌شناختی. *روانشناسی خانواده*، ۱۱(۱)، ۱۸-۳۴.

مقدمه

بر طبق گزارش سازمان یونیسف ۱۰ درصد از کودکان در جمعیت عمومی دارای یکی از انواع اختلالات و کم‌توانی‌های متوسط تا شدید هستند (Olusanya et al., 2022). کودکان دارای کم‌توانی و تاخیرهای تحولی به عنوان کودکان با نیازهای ویژه[1] طبقه‌بندی می‌شوند. کودکان با نیازهای ویژه، مفهومی است که به دامنه‌ای از اختلالات در ابعاد مختلف شناختی، کلامی، اجتماعی، جسمانی و حرکتی اطلاق می‌شود و به نیازهای خاص و ویژه این کودکان اشاره دارد. پس از تولد کودک با نیازهای ویژه، والدین آنها مراحل عاطفی مختلفی مانند دوسوگرایی و عصبانیت و به دنبال آن انکار و اندوه را پشت سر می‌گذارند (Islam et al., 2019) زیرا تربیت کودکی با آسیب‌های تحولی و نیازهای آموزشی ویژه، می‌تواند عوامل استرس‌زا را فراتر از عوامل مرتبط با تربیت کودکان در حال تحول بهنجار ایجاد کند. مراقبت از کودکان با نیازهای ویژه به دلیل نیاز به زمان بیشتر، هزینه‌های پزشکی، محدودیت‌های شغلی و نگرانی در مورد آینده کودک سطح استرس این والدین را افزایش می‌دهد (Ho & Liang, 2021). افزایش سطح استرس امکان تعارضات زناشویی[2] را بالاتر می‌برد (Chung et al., 2023). تعارض زمانی اتفاق می‌افتد که بین اهداف، نیازها و انتظارات دو نفر ناهمسازی و ناهم‌خوانی وجود داشته باشد و زوجین قادر به تفهیم قصد و منظور خود به یکدیگر نباشند (Afkhami-Poostchi & Alidoosti et al., 2023). بر اساس شواهد پژوهشی والدین کودکان با نیازهای ویژه، تعارضات و تنش‌های زناشویی بسیاری نظیر سطوح پایین ابراز عواطف مثبت و رضایت‌مندی را تجربه می‌کنند (Aali et al., 2015)؛ همچنین پژوهشگران یافتند که این دسته از والدین رضایت زناشویی کمتری نسبت به والدین دیگر دارند (Ben-Naim et al., 2018). Chan and Leung (2020) در یک مطالعه نشان یافتند که علائم اختلال کودک با سطوح بالاتر، استرس والدینی و تعارضات والدین مرتبط است که این ارتباط به نوبه خود با افزایش تعارضات زناشویی و کاهش عشق زناشویی در بین این والدین مرتبط است.

در این میان به نظر می‌رسد، تمایزیافتگی خود به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم در تنظیم روابط بین فردی، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در کاهش یا افزایش این تعارضات ایفا کند. تمایزیافتگی[3] به معنای توانایی برقرار کردن تعادل بین باهم بودن و فردیت فرد است. نتیجه این متغیر توازنی که فرد بین استقلال خود و حفظ ارتباط با افراد مهم زندگی برقرار می‌کند (Alibakiyan & Afsharineya, 2020). تمایز خود به عنوان ظرفیتی برای به دست آوردن تعادل بین عملکرد عاطفی و فکری بدون ادغام است و با زندگی خانوادگی افراد ارتباط نزدیک دارد. سطح تمایز یک فرد از خود نشان‌دهنده توانایی او برای تشخیص احساسات و افکار در شرایط استرس‌زا است (Bridge, 2019). سطوح تمایزیافتگی فرد با تمامی بیماری‌های روانی و جسمانی، آسیب‌های اجتماعی و چالش‌های زوجین رابطه دارد. بدین صورت که افرادی که از سطوح بالای تمایزیافتگی برخوردار هستند در مواجه با موقعیت‌ها به سنجش متفکرانه می‌پردازند و سعی می‌کنند رفتاری مستقل داشته و به دفعات کمتری واکنش‌های هیجانی به موقعیت نشان دهند. اما افراد با سطوح تمایز یافتگی پایین‌تر با احتمال بیشتری با مشکلاتی چون نارضایتی زناشویی، درماندگی جسمانی و روانی، مثلث‌سازی، واکنش‌پذیری هیجانی، اضطراب مزمن مواجه می‌شوند (Tofighi Mohammadi et al., 2022). افراد تمایزنایافته در روابط زناشویی خود سازگاری زناشویی کمتری دارند (Alibakiyan & Afsharineya, 2020). بعلاوه، Haji Sattari (2021) در یک پژوهش گزارش کرده که عدم تمایز یافتگی در این خانواده‌ها سبب افزایش احساس افسردگی و کاهش میزان سازگاری فردی و اجتماعی در والدین می‌شود.

1 Children with special needs
2 Marital Conflicts
3 Differentiation

Almaani et al. (2022) بیان می‌کنند که تمایزیافتگی با شدت ADHD با نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی رابطه معنادار دارد. همچنین نتایج پژوهش‌ها حاکی از نقش میانجی‌گری تمایز یافتگی در بین سبک‌های دلبستگی و پیوستگی- انطباق خانواده با دلزدگی زناشویی والدین دانش آموزان دارای اختلال یادگیری خاص است (Sadri Damirchi et al., 2020). پژوهش Ghobadi et al. (2021) نیز نشان داد که تاب‌آوری و تمایزیافتگی با نقش میانجی خودتنظیمی هیجانی می‌تواند مدل مطلوبی برای تبیین دلزدگی زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی باشد. به طور کلی می‌توان گفت که زوج‌هایی که تعارضات بیشتر زناشویی را گزارش می‌کنند، واکنش عاطفی و گسلش عاطفی بیشتری تجربه می‌کنند و کمتر از تمایزیافتگی برخوردار هستند (Lotfi et al., 2020).

از سوی دیگر، تجارب آسیب‌زای دوران کودکی نیز به‌عنوان یک متغیر اثرگذار، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تعارضات زناشویی در بزرگسالی باشد؛ به‌گونه‌ای که تجربه‌های منفی و آسیب‌های روان‌شناختی در کودکی، ممکن است به شکل‌گیری الگوهای ناسالم در روابط زناشویی منجر شود (Mofid et al., 2022). کودکانی که در سال‌های اولیه زندگی خود تجربه بدرفتاری را داشته‌اند، مشکلات سلامت روان بیشتری دارند (Pournaghash-Tehrani et al., 2019). از جمله مصادیق بدرفتاری، سوءاستفادهٔ هیجانی، فیزیکی، جنسی، غفلت هیجانی و غفلت فیزیکی است (Bosquet Enlow et al., 2018). یافته‌های پژوهش Seyfizadeh et al. (2019) حاکی از این نکته است که آسیب‌های دوران کودکی احتمال بروز رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد، تأثیر منفی بر سبک دلبستگی می‌گذارد و حتی در حیطه‌های گوناگون زندگی و روابط آینده افراد اثرگذار است (Azizpour et al., 2021). آسیب در دوران کودکی به‌ویژه آسیب‌های عاطفی باور فرد را در مورد خود و دیگران و محیط تغییر می‌دهد و سبب طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌شود.

نتایج پژوهش Bidari et al. (2021) نشان می‌دهد که یکی از عوامل ایجاد تعارض زناشویی حضور طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه است. در یک مطالعه دیگر، نشان داده شد که ناامنی عاطفی دوران کودکی را یکی از عوامل اثرگذار بر تعارضات زناشویی هم در زنان و هم در مردان گزارش کردند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آسیب‌های دوران کودکی با افسردگی و افکار خودکشی مرتبط است و ممکن است به طور غیرمستقیم آسیب‌پذیری را در برابر رویدادهای استرس‌زای زندگی ایجاد کند. این نتایج نشان می‌دهد که آسیب دوران کودکی با سه بعد سرمایه روان‌شناختی یعنی خودکارآمدی، امید و خوش‌بینی رابطه منفی دارد. همچنین با تاب آوری ارتباط دارد (Zhang et al., 2020).

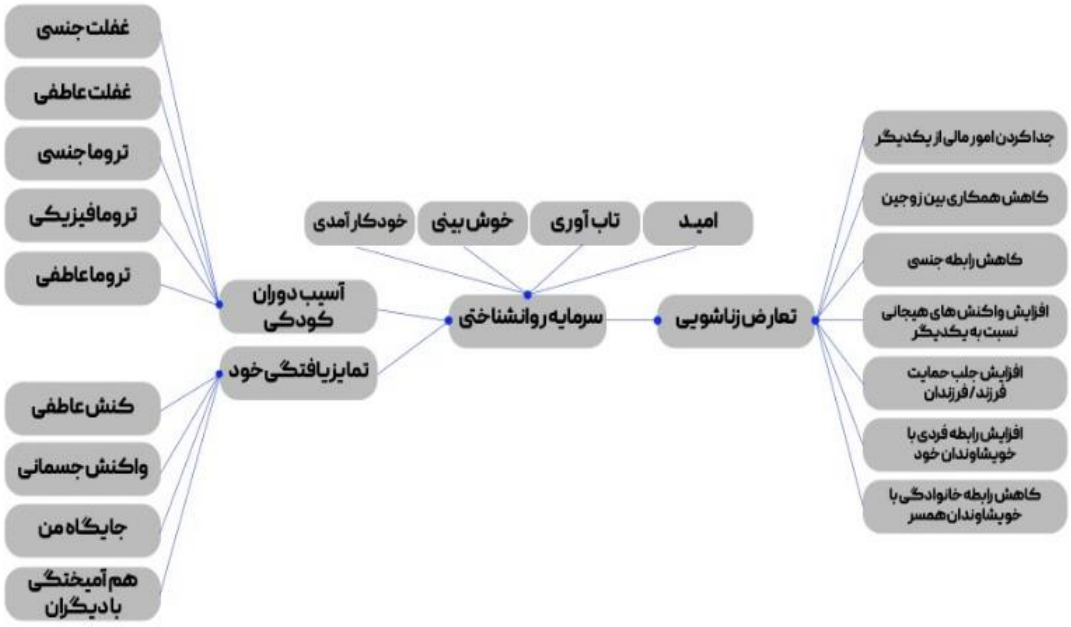
اگرچه برخی از مطالعات ارتباطی بین جهت گیری‌های تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و تمایزیافتگی خود را با جنبه‌های مختلف تعارض زناشویی نشان داده‌اند با این حال سازوکارهای مسئول این ارتباطات تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است. از این جهت یکی دیگر از متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد می‌تواند تأثیر این دو متغیر را بر تعارضات زناشویی میانجی‌گری کند، سرمایه روان‌شناختی است.

سرمایه روان‌شناختی یک حالت مثبت روان‌شناختی فردی با مشخصه‌های متعهد بودن و داشتن پشتکار لازم برای کسب موفقیت در وظایف و امور چالش برانگیز (اعتماد به نفس و خودکارآمدی)، توانایی داشتن نگرش مثبت درباره موفقیت‌های خود در زمان حال و آینده (خوش‌بینی)، ایستادگی و تعهد در راه رسیدن به اهداف و در شرایط ضروری تغییر دادن مسیر رسیدن به اهداف برای کسب موفقیت (امیدواری) و ایستادگی در زمان رویارویی با مشکلات برای کسب موفقیت (تاب‌آوری) است (Shabani et al., 2019). محققان در پژوهش خود به پایین بودن سطوح سرمایه روان‌شناختی مادران کودکان با نیازهای ویژه اشاره کردند (Ramezanloo et al., 2020). همچنین Shabani et al. (2019) در یک پژوهش یافتند که بین سرمایه روان‌شناختی و خرده مقیاس‌های خودکارآمدی و خوش‌بینی، امیدواری و تاب آوری با تعارض زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و سرمایه روان‌شناختی و خرده مقیاس‌های آن پیش‌بینی کننده قوی تعارض زناشویی هستند. Tehrani Azad and Mogtabaei, (2019) یافتند

که بین سرمایه روان‌شناختی و تعارض زناشویی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. به طور کلی سرمایه روان شناختی افراد شامل خوش بینی، خودکارآمدی، امیدواری و تاب‌آوری در برخورد با مشکلات زناشویی اثرگذار است (Sheikh Zeineddin et al., 2019). پژوهش Haji-Rostamloo et al. (2023) نشان داد که سرمایه‌های روان‌شناختی به طور غیر مستقیم و از طریق واسطه‌گری تمایزیافتگی بر رضایت از زندگی تأثیر دارد.

در مجموع می‌توان از تحقیقات قبلی این‌گونه نتیجه گرفت افرادی که تجارب آسیب‌زای دوران کودکی بیشتر و تمایزیافتگی خود پایین‌تری دارند، تعارضات زناشویی بالاتری را تجربه می‌کنند. با این حال علی‌رغم پیشینه موجود در این زمینه، تحقیقات محدودی به طور خاص بررسی کرده است که چگونه سرمایه روان‌شناختی این رابطه را در میان والدین کودکان با نیازهای ویژه واسطه می‌کند که نشان دهنده شکاف قابل توجهی در ادبیات پژوهش است.

بعلاوه شناخت چگونگی کارکرد خانواده و تأثیر عوامل مختلف بر آن، روان‌شناسان را در جهت انتخاب درمان‌های مؤثرتر هدایت می‌کند. امروزه توجه به تأثیر خانواده و کارکرد آن بر کودکان با نیازهای ویژه بیش از قبل مورد توجه قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاضر به درمانگران و روان‌شناسان کمک می‌کند که دیده گسترده‌ای از عوامل مؤثر بر کودکان با نیاز ویژه را شناسایی کنند و در طرح‌ریزی درمان به این عوامل توجه کنند. زیرا که رفتار کودک و شرایط خانواده بر روی یکدیگر تأثیر گذاشته است. بنابراین بدیهی است که شناخت ویژگی‌های والدین در جهت کمک به انسجام خانواده مورد تأکید قرار گیرد. همچنین باید توجه داشت که حضور یک کودک با نیاز ویژه در خانواده خود عامل مهمی برای افزایش استرس و کاهش کیفیت زندگی والدین این کودکان است. شناخت دیگر عوامل در تعارض زناشویی به درمانگران و خانواده‌ها کمک می‌کند که از فروپاشی این خانواده‌ها حتی‌الامکان جلوگیری شود. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و خلأ پژوهشی که اشاره شد محقق درصدد پاسخ به این سؤال است که مدل‌سازی تعارضات زناشویی والدین کودکان با نیازهای ویژه بر اساس تمایزیافتگی خود و آسیب دوران کودکی با میانجیگری سرمایه روان‌شناختی چگونه است؟ مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که در قالب مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه والدین کودکان با نیازهای ویژه شهر رشت در سال ۱۴۰۲ بود. حجم نمونه در این مطالعه با استفاده از فرمول kline (2011) محاسبه شد. بر این اساس حجم نمونه به تعداد ۱۰ تا ۲۰ شرکت کننده به ازای هر پارامتری که باید تخمین زده شود پیشنهاد می‌شود. بنابراین با توجه به تعداد مؤلفه‌های کلی متغیرهای پژوهش حاضر و دستیابی به نتایج معتبرتر و با احتمال تکمیل نبودن کامل پرسش‌نامه‌ها تعداد نمونه ۲۲۰ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری به صورت دردسترس بود. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از محدوده سنی ۲۰ تا ۵۰ سال، برخورداری از سواد خواندن و نوشتن، داشتن حداقل یک کودک با نیاز ویژه عدم ابتلا به بیماری‌های روانی و جسمی مزمن ناتوان کننده (بنا بر اظهارات خود فرد)؛ و معیارهای خروج عبارت بود از عدم تکمیل بیش از ۲۰ درصد سؤالات پرسش‌نامه‌ها، فوت همسر، سوءمصرف مواد و بیکاری.

ابزار سنجش

پرسش‌نامه تمایزیافتگی خود (DSI). این پرسش‌نامه که توسط Skowron and Friedlander, (1998) تدوین شد شامل ۴۶ گویه است و پاسخگویی به سؤال‌ها به صورت شش گزینه‌ای (ابداً در مورد من صحیح نیست=۱ تا کاملا در مورد من صحیح است=۶ درجه بندی شده است. حداکثر نمره کل پرسش‌نامه ۲۷۶ و حداقل آن ۴۶ است. نمره بیشتر به معنای تمایزیافتگی بیشتر است. در پژوهش اصلی همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۸۸ محاسبه شد. همچنین روایی همگرای پرسش‌نامه تمایزیافتگی خود با پرسش‌نامه اضطراب صفت بین ۰/۱۶ تا ۰/۵۸ گزارش شد (Skowron & Friedlander, 1998). در نمونه ایرانی ضریب پایایی با روش همسانی درونی از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای نمره کل ۰/۸۸، خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۳، جایگاه من ۰/۸۰، گریز عاطفی ۰/۸۰ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۴ گزارش شد (Rashidi et al., 2021). در ایران این پرسش‌نامه ترجمه و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۱ به دست آمد (Ghorbankhani et al, 2022). در پژوهش حاضر همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۷۱ بدست آمد.

پرسش‌نامه سرمایه روان‌شناختی (PCQ). این پرسش‌نامه توسط Luthans et al. (2007) در قالب ۲۴ گویه برای ارزیابی سرمایه روان شناختی طراحی شد. این پرسش‌نامه با ۴ مقیاس خودکارآمدی، امیدواری، تاب آوری و خوش بینی با نمره ۱۹ تا ۲۴ است که بر روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملا موافقم تا کاملا مخالفم تنظیم شده است. در پژوهش Mónico et al. (2014) همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۹۰ بدست آمد. همچنین روایی سازه با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی مطلوب گزارش شد (RMSEA۰/۰۴۹، TLI۰/۹۳۲ =، NFI۰/۹۲۱=، ۰/۹۴۱ .(CFI=در نمونه ایرانی پژوهشگران ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس را ۰/۹۲ و برای خرده مقیاس‌های خودکارآمدی ۰/۸۹، امیدواری ۰/۹۰، تاب آوری ۰/۸۷ و خوش بینی ۰/۸۹ گزارش کردند (Shabani et al., 2019). در پژوهش حاضر همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۸۴ بدست آمد.

پرسش‌نامهٔ تجارب آسیب‌زای دوران کودکی (CTQ). این پرسش‌نامه که توسط Bernstein et al. (2003) طراحی و تنظیم گردید، شامل ۵ زیرمقیاس سوء استفادهٔ فیزیکی، سوء استفادهٔ هیجانی، سوءاستفادهٔ جنسی، غفلت هیجانی و غفلت فیزیکی می‌شود که در طیف ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود. قابلیت اعتماد عوامل مختلف این پرسش‌نامه با دو روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ بین ۰/۷۸تا ۰/۹۵و روایی آن با استفاده از روش تحلیل عاملی مطلوب گزارش شده است. همچنین روایی همگرای پرسش‌نامه تجارب آسیب‌زای دوران کودکی با پرسش‌نامه فرایند درمان فردی در محدوده ۰/۵۹ الی ۰/۷۸ گزارش شد (Bernstein et al., 2003). در نمونه ایرانی برای تعیین قابلیت اعتماد این پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که به ترتیب برای مؤلفه‌های سوءاستفادهٔ

هیجانی، فیزیکی و جنسی، غفلت هیجانی و فیزیکی ۰/۸۹، ۰/۸۸، ۰/۸۸، ۰/۷۸، ۰/۷۲ و برای کل ابزار ۰/۹۰ به دست آمد (Lessani et al., 2021). در پژوهش حاضر همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۷۵ بدست آمد.

پرسش‌نامه تعارض زناشویی (MCQ). این پرسش‌نامه که توسط Sanaei Zaker and Barati, (2005) ساخته شد، برای شناسایی ماهیت و میزان تعارض در روابط زناشویی مورداستفاده قرار می‌گیرد. این مقیاس شامل ۴۲ سؤال است که در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای درجه‌بندی شده است. در این ابزار، نمره بیشتر به معنای تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنای تعارض کمتر است. این پرسش‌نامه شامل ۷ خرده مقیاس است که عبارت‌اند از کاهش همکاری بین زوجین، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی نسبت به یکدیگر، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر (Hosseini & Sanaei Zaker, 2005). آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۷۱و به ترتیب برای کاهش همکاری ،۰/۷۳کاهش رابطه‌ی جنسی ۰/۶۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۴، افزایش جلب حمایت فرزند یا فرزندان ۰/۸۱، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۵، کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۱و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۶۹گزارش شده است (Afkhami-Poostchi & Alidoosti et al., 2023). همچنین روایی همگرای پرسش‌نامه تعارض زناشویی با خشونت عاطفی ۰/۲۹ گزارش شد (Enayat & Yaghobi, 2012). در پژوهش حاضر همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۷۴ بدست آمد.

روش اجرای پژوهش

پس از کسب مجوزات لازم از دانشگاه و تأیید پرسش‌نامه‌ها توسط اساتید محترم به مراکز بهزیستی و کلینیک‌های درمانی خصوصی معرفی و به پس از مراجعه تعداد ۲۲۰ خانواده بر حسب معیار ورود انتخاب شدند و پس از موافقت پرسش‌نامه‌ها در اختیار آنان گذاشته شد. توضیحات لازم جهت تکمیل پرسش‌نامه‌ها به خانواده‌ها داده شد. سپس بعد از چند روز پرسش‌نامه‌ها اخذ و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به منظور تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای SPSS و Amos نسخه‌های ۲۴ استفاده شد و جهت بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم از روش بوت استراپ استفاده شد.

یافته‌ها

در این مطالعه ۲۲۰ نفر مشارکت داشتند. شرکت کنندگان در این مطالعه در میانگین سنی ۳۷/۷۱ با انحراف معیار ۷/۴۹۶ قرار داشتند. در مطالعه حاضر ۴۷/۷ درصد شرکت کنندگان پدر و ۵۲/۳ درصد از شرکت کنندگان مادر بودند. در مطالعه حاضر ۲۵ درصد پایین‌تر از دیپلم، ۳۸/۲ درصد دیپلم، ۲۶/۴ درصد کارشناسی، ۸/۶ درصد کارشناسی ارشد و ۱/۸ درصد دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند. در جدول ۱ یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و نرمال بودن توزیع داده‌ها ارائه شده است.

جدول ۱: اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
تعارض زناشویی	۱۳۸/۴۲	۳۱/۱۷۶	-۰/۱۰۷	-۱/۴۳۷
تمایز یافتگی خود	۱۷۸/۷۲	۲۹/۲۲۹	۰/۰۱۱	-۰/۹۷۴
آسیب دوران کودکی	۷۵/۱۸	۱۴/۵۵۲	۰/۹۸۵	-۰/۰۲۸
سرمایه روان‌شناختی	۷۶/۳۱	۱۱/۸۳۱	۰/۱۵۴	-۰/۶۷۲

با توجه به جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه نشان داده شده است. میانگین و انحراف معیار نمره کل تعارض به ترتیب برابر است با ۱۳۸/۴۲ و ۳۱/۱۷۶؛ میانگین و انحراف معیار نمره کل تمایز یافتگی خود به ترتیب برابر است با ۱۷۸/۷۲و ۲۹/۲۲۹؛ میانگین و انحراف معیار نمره کل آسیب دوران کودکی به ترتیب برابر است با ۷۵/۱۸ و ۱۴/۵۵۲؛ میانگین و انحراف معیار نمره کل سرمایه روان‌شناختی به ترتیب برابر است با ۷۶/۳۱ و ۱۱/۸۳۱. بعلاوه آماره‌های کجی و کشیدگی نشان می‌دهد که همه در محدوده ۲ الی ۲- قرار دارند، در واقع با استناد به این آماره‌ها داده‌ها دارای توزیع نرمال است؛ بر این اساس استفاده از آزمون‌های پارامتری مجاز است. در جدول ۲ به بررسی رابطه خطی بین متغیرها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون پرداخته شده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳
۱-تعارض زناشویی	–		
۲-تمایز یافتگی خود	**-۰/۶۱۹	–	
۳-تجارب آسیب‌زای کودکی	**۰/۵۸۱	**-۰/۴۸۳	–
۴-سرمایه روان‌شناختی	**-۰/۵۹۸	**۰/۵	**۰/-۴۸۷

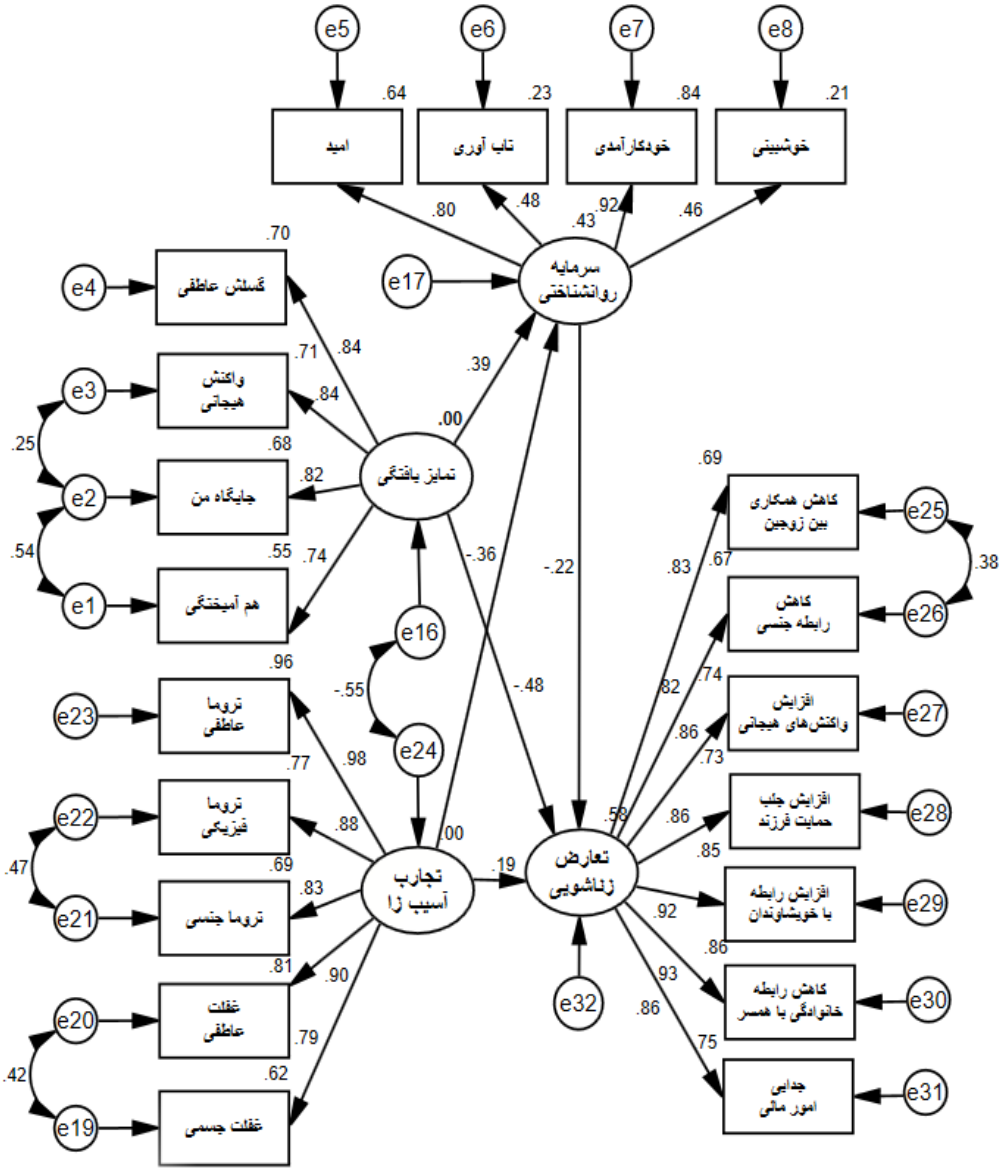
یکی از پیش‌فرض‌های مهم در مدل‌یابی معادلات ساختاری، وجود رابطه خطی بین متغیرهای وارد شده در مدل می‌باشد. در این مطالعه نشان داده شده که تعارض زناشویی با تمایزیافتگی خود، تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و سرمایه روان‌شناختی رابطه معنادار دارد (P<۰/۰۵). همان‌گونه که نمایه شده است، بین تمایز یافتگی خود و تعارض زناشویی همبستگی منفی و معنادار مشاهده می‌شود؛ بین تجارب آسیب‌زای کودکی و تعارض زناشویی همبستگی مثبت و معنادار مشاهده می‌شود؛ بین سرمایه روان‌شناختی و تعارض زناشویی همبستگی منفی و معنادار مشاهده می‌شود؛ جهت بررسی نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی در ارتباط با تمایزیافتگی خود، تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و تعارض زناشویی والدین دارای فرزند با نیاز ویژه از مدل‌یابی معادلات ساختاری و روش بوت استراپ استفاده شد. در ادامه شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی

شاخص برازندگی	دامنه قابل‌پذیرش	مقدار اولیه	مقدار اصلاح شده
χ^2/df	کمتر از ۵	۲/۹۰۷	۱/۷۶۳
شاخص توکر- لوییس (TLI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۱۱	۰/۹۶۴
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۲۲	۰/۹۷۰
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۲۳	۰/۹۷۰
شاخص برازندگی نسبی (RFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۸۷۰	۰/۹۲۱
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۸۸۷	۰/۹۳۴
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۹۳	۰/۰۵۹

بر اساس نتایج جدول ۳ نشان داده شده است که شاخص‌های حاصل از مدل معادلات ساختاری در حالت اولیه مدل در شاخص‌های برازندگی نسبی، برازش هنجار شده و ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب از برازش مطلوب برخوردار نیست. بنابراین بر اساس پیشنهاد نرم افزار Amos کوراینس‌هایی بین متغیرهای غفلت جسمی با غفلت عاطفی، سوء استفاده فیزیکی با سوء استفاده جنسی، هم آمیختگی با جایگاه من، واکنش هیجانی با جایگاه من، و کاهش همکاری بین زوجین با کاهش رابطه جنسی رسم شد تا

مدل اصلاح شده از برازش مطلوب برخوردار شود (χ^2/df=۱/۷۵۳، CFI =۰/۹۷۰، IFI =۰/۹۷۱، NFI =۰/۹۳۴، TLI =۰/۹۶۴ و RMSEA =۰/۰۵۹). در ادامه به آزمون فرضیه واسطه‌ای پرداخته شده است.



شکل ۱: مدل معادلات ساختاری تعارضات زناشویی

نتایج تحلیل الگوی معادلات ساختاری تعارضات زناشویی والدین کودکان با نیازهای ویژه در شکل فوق و آماره‌های آن با روش بوت استراپ در جدول زیر نمایه شده است و نشان می‌دهند که مسیر میانجی یا غیرمستقیم سرمایه روان‌شناختی در ارتباط بین تمایزیافتگی خود و آسیب دوران کودکی با تعارضات زناشویی والدین کودکان با نیازهای ویژه به ترتیب با حد پایین ۰/۱۴۸- و ۰/۰۲۵ و حد بالای ۰/۰۳۳- و ۰/۱۵ و سطوح معناداری ۰/۰۱ و ۰/۰۱۳ معنادار است؛ بنابراین سرمایه روان‌شناختی در ارتباط بین تمایزیافتگی خود و آسیب دوران کودکی با تعارضات زناشویی والدین کودکان با نیازهای ویژه نقش میانجی دارد.

جدول ۴: شاخص‌های آماری الگوی تعارضات زناشویی والدین کودکان با نیازهای ویژه

مسیر مستقیم	ضریب مسیر	خطای استاندارد	حد پایین	حد بالا	P
تمایزیافتگی خود — سرمایه روان‌شناختی	۰/۳۹	۰/۰۸۲	۰/۲۵۲	۰/۵۲۲	۰/۰۰۱
آسیب دوران کودکی — سرمایه روان‌شناختی	-۰/۳۶۰	۰/۰۷۷	-۰/۴۸۰	-۰/۲۲۴	۰/۰۰۱
سرمایه روان‌شناختی — تعارضات زناشویی	-۰/۲۱۷	۰/۰۸۵	-۰/۳۵۲	-۰/۰۷۱	۰/۰۱۷
مسیر غیرمستقیم	**ضریب مسیر**	**خطای استاندارد**	**حد پایین**	**حد بالا**	**P**
تمایزیافتگی -سرمایه روان‌شناختی-تعارض زناشویی	-۰/۰۸۴	۰/۰۳۵	-۰/۱۴۸	-۰/۰۳۳	۰/۰۱۰
تجارب آسیب‌زا-سرمایه روان‌شناختی-تعارض زناشویی	۰/۰۷۸	۰/۰۳۸	۰/۰۲۵	۰/۱۵۰	۰/۰۱۳

بر اساس جدول ۴، نتایج نشان می‌دهد تمایز یافتگی خود با ضریب مسیر (β=۰/۳۹) بر سرمایه روان‌شناختی اثر مثبت و معنادار دارد (P<۰/۰۵). نتایج نشان داد آسیب دوران کودکی با ضریب مسیر (β=-۰/۳۶۰) بر سرمایه روان‌شناختی اثر منفی و معنادار دارد (P<۰/۰۵). نتایج نشان داد سرمایه روان‌شناختی با ضریب مسیر (β=-۰/۲۲) بر تعارضات زناشویی اثر منفی و معنادار دارد (P<۰/۰۵). نتایج آزمون بوت استراپ نشان داد که تمایزیافتگی خود با ضریب مسیر (β=-۰/۰۸۴) و تجارب آسیب‌زای دوران کودکی با ضریب مسیر (β=۰/۰۷۸) با نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی بر تعارض زناشویی اثر غیر مستقیم دارند.

بحث

این پژوهش با هدف نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی در ارتباط بین تمایزیافتگی خود، تجارب آسیب‌زای دوران کودکی با تعارضات زناشویی در مادران دارای کودکان با نیازهای ویژه بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که تمایز یافتگی خود بر سرمایه روان‌شناختی اثر مثبت مستقیم و معنادار دارد. نتایج این پژوهش با برخی یافته ها از آن سو که به رابطه سرمایه روان‌شناختی و تمایزیافتگی خود در رضایت زندگی اشاره دارد همسو است (Haji-Rostamloo et al., 2023). در همین راستا محققان در پژوهش خود به رابطه مثبت و معنادار بین سرمایه روان شناختی و تمایزیافتگی خود اشاره می‌کنند (Saket et al., 2023). همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش Ramezanloo et al. (2023) از آن جهت که به بررسی سرمایه روان شناختی والدین کودکان با نیازهای ویژه پرداختند همسو است. همچنین نتایج پژوهش Tofighi Mohammadi et al. (2022) که به پایین بودن تمایزیافتگی خود در والدین کودکان با نیازهای ویژه می‌پردازد همسو با نتایج پژوهش حاضر است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که تمایزیافتگی خود به میزان توانایی فرد در جداسازی فرایندهای فکری از هیجانی تعریف می‌شود (Lampis et al., 2019). به عبارت دیگر تمایزیافتگی خود باعث می‌شود تا افراد بهتر بتوانند به توصیف و شناسایی هیجانات خود بپردازند. به عقیده پژوهشگران، میزان ظهور و تفکیک خود در هر فرد نشان دهنده میزان توانایی فرد در جداسازی فرایند فکری از فرایند عاطفی است که تجربه می‌کند. بدین صورت که افراد با سطوح بالای تمایزیافتگی توان گرفتن تصمیمات مستقلانه جدا از مسائل احساسی را دارد و این تصمیمات مستقل از آموزش‌های خانواده‌ها و جدا از مسائل احساسی است. افراد تمایزیافته توانایی مدیریت هیجانات و احساسات خود را دارند و می‌توانند از دست دادن منبع دلبستگی عاطفی را مدیریت کنند. به عبارت دیگر تمایزیافتگی خود یک تفکر احساسی همراه با بلوغ هیجانی است. همچنین افراد با سطوح بالاتر سرمایه روان شناختی توانایی بیشتری در کسب استقلال و خودمختاری دارند. فرد با امیدواری، تاب آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی بالاتر در مواجهه با اضطراب‌های محیطی مثل حضور یک کودک با نیازهای ویژه کمتر به صورت هیجانی رفتار می‌کند و با اعتماد به ارزش‌های خود تصمیمات درستی می‌گیرد. افرادی که خودکارآمدی بالاتری دارند در مواجهه با طرد دیگران به صورت هیجانی واکنش نشان نمی‌دهند. این افراد در مورد آینده خوش بینی زیادتری دارند و با تکیه بر ارزش‌های خود در مواجهه با شرایطی محیطی تاب آوری بالاتری از خود نشان می‌دهند. در تأیید این نتیجه

می‌توان به پژوهشی اشاره کرد که یافتند تمایزیافتگی به صورت مثبت و معناداری سرمایه‌های روان شناختی را پیش‌بینی می‌کند (Saket et al., 2023).

نتایج نشان داد آسیب دوران کودکی بر سرمایه روان‌شناختی اثر منفی مستقیم و معنادار دارد. این یافته همسو با نتایج پژوهش Azizpour et al. (2021) است که نشان دادند آسیب‌های دوران کودکی سبب آسیب‌های هیجانی و روان شناختی در بزرگسالی می‌شود. همچنین این یافته‌ها همسو با مطالعه Mofid et al. (2022) است که یافتند تجربه سوءاستفاده جنسی در کودکی در بهزیستی روان شناختی افراد در بزرگسالی و کیفیت زندگی آنان تأثیرگذار است. همچنین این یافته‌ها با نتایج با پژوهش Zhang et al. (2020) از آن سو که رابطه سرمایه روان‌شناختی با آسیب دوره کودکی می‌پردازد همسو است چراکه یافتند که تجارب آسیب دوران کودکی با میانجیگری سرمایه روان‌شناختی بر ناگویی هیجانی اثرگذار است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که دوران کودکی یک دوره حیاتی برای تحول جسمی و ذهنی است. بر این اساس، تجارب کودکی آزار و غفلت به عنوان عوامل خطر برای انواع اختلالات روانی و اختلالات شخصیتی تأیید شده است. در پژوهشی در مورد تأثیر آسیب دوران کودکی بر سلامتی در بزرگسالی، دریافتند که کسانی که قربانی شدن جسمی یا روانی دوران کودکی را گزارش کردند، سطوح پایین‌تری از سلامت روان داشتند (Pournaghash-Tehrani et al., 2019). بدرفتاری در دوران کودکی حتی زمانی که افراد برای تنظیم تجربه عاطفی خود به کمک نیاز دارند و به طور مؤثر وضعیت روانی خود را تسکین می‌دهند، می‌تواند به اختلال در رشد عاطفی کمک کند و فرایندهای بیولوژیکی و روان‌شناختی تنظیم عاطفه را مختل کند (Zhang et al., 2020). مغز در حال رشد نسبت به تجربیات بدرفتاری در دوران کودکی حساس است و می‌تواند به طور دائمی توسط تجربیات بدرفتاری در دوران کودکی تغییر یابد، افرادی که آسیب‌های روانی دوران کودکی را تجربه می‌کنند در برابر بیماری‌های روانی آسیب‌پذیرتر شوند. آسیب دوره کودکی عوارض جبران ناپذیری مانند مشکلات مربوط به دلبستگی، کاهش سلامت روان و آرامش روانی، تحریک‌پذیری غیر قابل کنترل و اختلالات مختلف در زمینه روابط بین فردی ایجاد می‌کند (Naughton et al. 2013). نتایج پژوهش ما نشان می‌دهد که آسیب دوران کودکی تا حدی می‌تواند از طریق سرمایه روان‌شناختی، تعارض زناشویی را پیش‌بینی کند. سرمایه روان‌شناختی بالا – به عنوان یک منبع روان‌شناختی ضروری برای رشد مثبت افراد – توانایی غلبه بر موانع را در زندگی دارد. سرمایه روان‌شناختی شامل چهار منبع روان‌شناختی مثبت به نام‌های خودکارآمدی، امید، خوش‌بینی و تاب‌آوری است و پژوهش‌ها تأیید کرده‌اند که سابقه تجارب آسیب در دوران کودکی به خوش‌بینی کمتر، تاب‌آوری و خودکارآمدی مرتبط است. در واقع آسیب دوران کودکی به بر وجوه عاطفی، شناختی و رفتاری تأثیر منفی می‌گذارد و سبب می‌شود افرادی با سابقه آسیب دوران کودکی شفقت‌ورزی کمتری نسبت به خود داشته باشند. چنین افرادی نگرش‌ها و عقاید اشتباهی را دربارهٔ هیجان‌های مثبت و توانمندی‌های خود و آینده دارند. در تأیید این نکته می‌توان به یک پژوهش اشاره کرد که یافتند حوادث ناگوار دوران کودکی باور فرد را در مورد خود و دیگران و جهان تغییر می‌دهد و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را در فرد می‌سازد (Seyfizadeh et al., 2019).

نتایج نشان داد سرمایه روان‌شناختی بر تعارضات زناشویی اثر مستقیم منفی و معنادار دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش Shabani et al. (2019) از آن جهت که سرمایه روان شناختی را پیش بینی‌کننده قوی تعارض زناشویی گزارش می‌کند همسو است. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش Chiracu et al. (2023) از آن جهت که در پژوهش خود دریافت که سرمایه روان نشاختی با کیفیت زندگی مادران کودکان با سندرم داون رابطه دارد همسو است. در همین راستا نتایج این پژوهش با پژوهش Sarwar et al. (2022) از آن سو که به رابطه بین سرمایه روان شناختی با رضایت زندگی مادران کودکان اتیسم اشاره می‌کند همسو است. همچنین این یافته همسو با نتایج پژوهش Ben-Naim et al. (2019) است که یافتند والدین کودکان مبتلا به ADHD استرس بیشتر والدین و خودکارآمدی و رضایت زناشویی کمتری را نسبت به والدین غیر ADHD گزارش کردند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که. علل ایجاد تعارض، نتیجه اختلاف نظر در زمینه اهداف شخصی، انگیزه‌ها، ارزش‌ها و یا اولویت‌های رفتاری

زوجین است (Zeidner & Kloda, 2013). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که والدین با نیازهای ویژه سطوح بالای تعارضات زناشویی را نشان می‌دهند (Chan & Leung, 2020). حضور کودک با نیازهای ویژه به دلیل نیازهای آموزشی ویژه، صرف هزینه‌های پزشکی و درمانی و ایجاد محدودیت‌های مختلف شغلی برای والدین سبب ایجاد اضطراب در آنان می‌شود. یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی که در حل مسئله در موقعیت‌های تعارضی به افراد کمک می‌کند تا از توانمندی‌های شناختی و اجتماعی خود استفاده کنند، سرمایه روان‌شناختی است، سرمایه روان‌شناختی و مولفه‌های آن یک منبع ارزشمند برای سوق دادن نیرو و توان فرد در مسیر مثبت و سازنده است و می‌تواند به افراد در غلبه اصولی با موقعیت‌های تنش‌زا کمک کند. مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با طیف گسترده‌ای از مولفه‌های رفتاری، عملکردی، هیجانی و شناختی که برای رشد و تعالی انسان مهم هستند در ارتباط است. بنابراین زوجینی که سرمایه روان‌شناختی بالاتری دارند برای رسیدن به اهداف مشترکشان کوشش فراوانی می‌کنند، در مقابله با موانع خوش بینانه و تاب‌آورانه ثابت قدم هستند. این در حالی است که زوجینی که سطوح پایین سرمایه روان‌شناختی را دارند به هنگام برخورد با تعارض‌های روزمره، به سبب فقدان امیدواری و انعطاف‌پذیری، به راهبردهای سفت و سخت خود می‌چسبند و موجب چالش و تعارض می‌شوند. در تأیید نتایج این پژوهش می‌توان به یک پژوهش اشاره کرد که یافتند تعارضات زناشویی بهداشت روان افراد و در نتیجه سرمایه روان‌شناختی آنان را مورد آسیب قرار می‌دهد (Shariat et al, 2018).

نتایج نشان داد تمایزیافتگی خود و تجارب آسیب‌زای دوران کودکی با نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی بر تعارض زناشویی اثر غیر مستقیم دارند. در همین راستا نتایج پژوهش Mohammadi et al. (2019) نشان داد که تمایزیافتگی خود بر رضایت زناشویی تأثیرگذار است که این یافته از این جهت همسو با نتایج پژوهش حاضر است. همچنین این یافته با نتایج پژوهش Alibakiyan & Afsharineya (2020) از آن جهت که آنان در پژوهش خود به رابطه غیر مستقیم تمایزیافتگی خود بر رضایت زناشویی اشاره کرده‌اند همسو است. این یافته با نتایج پژوهش Azizpour et al. (2021) از جهت که عزیزپور در پژوهش خود به نقش آسیب‌های دوران کودکی در احتمال بروز رفتارهای پرخطر در حیطه‌های گوناگون زندگی و روابط آینده افراد اشاره دارد همسو است. همچنین این یافته همسو با نتایج پژوهش Seyfizadeh et al. (2019) از آن جهت که به نقش آسیب در دوران کودکی بر باور فرد را در مورد خود و دیگران و محیط اشاره دارد همسو است.

همچنین Li et al. (2020) در پژوهش خود دریافتند که ناامنی عاطفی دوران کودکی را یکی از عوامل اثرگذار بر تعارضات زناشویی هم در زنان و هم در مردان است که این یافته همسو با نتایج پژوهش حاضر است.

نهایتا نتایج پژوهش حاضر با پژوهش Zhang et al. (2020) از آن جهت نشان می‌دهد آسیب دوران کودکی با سه بعد سرمایه روان‌شناختی یعنی خودکارآمدی، امید و خوش‌بینی رابطه منفی دارد همسو با نتایج پژوهش حاضر است. در تبیین این یافته که تمایزیافتگی خود با نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی بر تعارض زناشویی اثر غیر مستقیم دارد می‌توان گفت افرادی که از تمایزیافتگی بالایی برخوردارند، معمولاً ویژگی‌های مثبتی چون امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی را نیز بیشتر در خود پرورش می‌دهند. این ویژگی‌ها به افراد کمک می‌کند تا در مواجهه با مشکلات و تعارضات زناشویی، با نگاهی مثبت‌تر و رفتاری موثرتر عمل کنند. در واقع هر چه سطوح تمایز یافتگی والدین بیشتر باشد، میزان رضایت از زندگی افزایش و تعارضات زناشویی کاهش پیدا می‌کند. تمایزیافتگی خود شناخت و آگاهی فرد را نسبت به ویژگی‌های شخصیتی افزایش می‌دهد و این امر بر عملکرد افراد در جنبه‌های مختلف تأثیر بسزایی خواهد داشت (Roshannejhad et al. 2019). تمایزیافتگی به مادران دارای کودکان با نیاز ویژه کمک می‌کند تا با تمایز یا به کار گیری الگوهای تعاملی خانواده بهنجار، فاصله اعضای خانواده را تنظیم کرده و تعادلی مناسب بین فردیت و صمیمیت برقرار سازند (Tofighi Mohammadi et al., 2022). در واقع تمایزیافتگی خود سبب افزایش ارتباطات عاطفی و سازنده، بهبود تنظیم عاطفی و دلبستگی ایمن‌تر در بزرگسالی و بهبود و ارتقای عملکرد خانواده و به دنبال آن افزایش سرمایه روان‌شناختی می‌شود. در چنین شرایطی افراد می‌توانند موقعیت‌های چالش‌برانگیز را به خوبی مدیریت

کنند و به دنبال آن کیفیت و تعاملات زناشـــویی بهتری را تجربه کنند. بدیهی اســـت که هر چه میزان تمایزیافتگی و ســـرمایه روان‌شناختی در زوجین پایین‌تر باشد میزان عملکرد خانواده پایین و اضطراب بیشتر خواهد شد. در تأیید این نکته می‌توان به یک پژوهش اشاره کرد که یافتند سرمایه‌های روان‌شناختی به طور غیر مستقیم و از طریق واسطه‌گری تمایزیافتگی بر رضایت از زندگی تأثیر دارد (Haji-Rostamloo et al., 2023). همچنین در تبیین این یافته که سرمایه روان‌شناختی در ارتباط بین تجارب آسیب‌زای دوران کودکی و تعارض زناشـــویی نقش میانجی دارد می‌توان گفت افرادی که در کودکی مورد آســـیب و آزار قرار می‌گیرند، عاطفهٔ منفی بیشـــتری را نشـــان می‌دهند. آســـیب دوران کودکی بر عملکردهای عاطفی، شـــناختی و رفتاری تأثیر منفی می‌گذارد و چنین افرادی نسبت به خود شفقت کمتری دارند. در واقع افرادی که در دوران کودکی تجارب آسیب‌زا داشته‌اند، ممکن است به دلیل تأثیرات منفی این تجارب، سرمایه روان‌شناختی پایین‌تری را تجربه کنند. سطوح پایین سرمایه روان‌شناختی در فرد احساس توانمندی بر زندگی را کاهش می‌دهد. فرد خود را در برابر مشکلات توانمند نمی‌بیند و احساس خودکارآمدی پایین‌تری دارد. به عبارت دیگر پریشـانی روانی ناشـی از آسـیب دوره کودکی در نگرش مثبت به آینده تأثیرگذار اسـت و زوجینی که سـطوح پایین سـرمایه روان‌شـناختی را دارند به هنگام برخورد با تعارض‌های روزمره، به سـبب فقدان امیدواری و انعطاف‌پذیری، به راهبردهای سـفت و سـخت خود می‌چسـبند و موجب چالش و تعارض بیشـتری می‌شـوند. بنابراین، کاهش سـرمایه روان‌شـناختی که ناشـی از تجارب آسیب‌زای دوران کودکی است، می‌تواند به تعارضات بیشتر در زندگی زناشویی منجر شود. در تأیید این نکته می‌توان به پژوهش Lee et al. (2020) اشـاره کرد. آنان در پژوهش خود دریافتند که ناامنی عاطفی دوران کودکی یکی از عوامل اثرگذار بر تعارضات زناشویی هم در زنان و هم در مردان است.

از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به موارد پیش رو اشـاره کرد: پژوهش حاضـر در شـهر رشـت انجام پذیرفت، لذا در تعمیم آن به دیگر شهرها به دلیل تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر متغیرهای فوق باید احتیاط صورت گیرد. همچنین تکمیل پرسش‌نامه توسـط هر دو نفر از زوجین و مقایسـه اطلاعات حاصـل می‌توانسـت تبیین دقیق‌تری از متغیرهای یاد شـده به دسـت دهد. پیشـنهاد می‌شود پژوهش حاضر در سایر شهرها و فرهنگ‌ها انجام پذیرد و همچنین پیشنهاد می‌شود پرسش‌نامه‌ها توسط هر دو نفر از زوجین تکمیل شود تا با مقایسه داده‌ها ابعاد جدیدی از تعارضات زناشویی زوجین دارای فرزندان با نیازهای ویژه به دست آید.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه گیلان است. پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند که از تمامی شرکت‌کنندگان جهت شرکت در پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

تعارض منافع

در این پژوهش هیچ تعارض منافعی وجود ندارد.

References

Aali, S., Aim yazdi, S. A., Abdkhodae, M., Ghanaee, A., & Moharari, F. (2015). Developmental Function of Families with Autism Spectrum Disorder children compared with families with healthy children. *medical journal of mashhad university of medical sciences*, *58*(1), 32-41. https://doi.org/10.22038/mjms.2015.3768 [In Persian]

Afkhami-Poostchi, M., & Alidoosti, F. (2023). The moderating role of conflict resolution styles in relation to marital conflicts and emotional divorce. *Islamic-Iranian Family Studies Journal*, *5*(4), 1. 10.30495/iifs.2023.1973635.1056 [In Persian]

Alibakiyan, A., & afsharineya, K. (2020). Evaluating model of meditating marital boredom role in the relationship between self-differentiation, conflict resolution styles & marital expectations in predicting marital adjustment in married men & women in Kermanshah. *Psychological Models and Methods*, *10*(38), 225-246. DOR: 20.1001.1.22285516.1398.10.38.11.2 [In Persian]

Almaani, S., Asgari, P., & Bavi, S. (2022). Structural modeling of the ADHD severity based on family functioning and self-differentiation the mediating role of marital satisfaction in mothers. *Journal of Clinical Psychology*, *14*(2), 13-24. doi: 10.22075/jcp.2022.25174.2310

Azizpour, S., Rezapour Mirsaleh, Y., & mottaghi, S. (2021). Emotional and Psychological Dimensions of Childhood Trauma in Men and Women who have Marital Infidelity. *Family Counseling and Psychotherapy*, *10*(2), 329-360. doi: 20.1001.1.22516654.1399.10.2.11.4 [In Persian]

Ben-Naim, S., Gill, N., Laslo-Roth, R., & Einav, M. (2019). Parental Stress and Parental Self-Efficacy as Mediators of the Association Between Children's ADHD and Marital Satisfaction. *Journal of attention disorders*, *23*(5), 506–516. https://doi.org/10.1177/1087054718784659

Bernstein DP, Stein JA, Newcomb MD, Walker E, Pogge D, Ahluvalia T, Stokes J, Handelsman L, Medrano M, Desmond D, Zule W. Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child abuse & neglect.* 2003 Feb 1; 27(2):169-90. https://doi.org/10.1016/S0145-2134(02)00541-0

Bidari, F., Amirfakhraei, A., Zareei, E., & Keramati, K. (2021). Effectiveness of Imago therapy on The Idealism and Inefficient Attitudes of the Women with Marital Conflict with Early Maladaptive Schemata. *medical journal of mashhad university of medical sciences*, *64*(3), 3278-3291. doi: 10.22038/mjms.2021.18865 [In Persian]

Bosquet Enlow, M., Englund, M. M., & Egeland, B. (2018). Maternal Childhood Maltreatment History and Child Mental Health: Mechanisms in Intergenerational Effects. *Journal of clinical child and adolescent psychology : the official journal for the Society of Clinical Child and Adolescent Psychology, American Psychological Association, Division 53*, *47*(sup1), S47–S62. https://doi.org/10.1080/15374416.2016.1144189

Bridge, E. N. (2019). Review of a case study in light of Bowen theory: Differentiation of self. *Yaşam Becerileri Psikoloji Dergisi*, *3*(5), 65-72. doi:10.31461/ybpd.556080

Chan, K. K. S., & Leung, D. C. K. (2020). The impact of child autistic symptoms on parental marital relationship: Parenting and coparenting processes as mediating mechanisms. *Autism Research, 13*(9), 1516–1526. https://doi.org/10.1002/aur.2297

Chiracu, A., Cosma, G. A., Stepan, A. R., Cosma, M. A., Corlaci, I., Călugăru, E. D. C., Voinea, F., Zăvăleanu, M., Burileanu, H. A., & Avramescu, T. (2023). Psychological capital, quality of life, and well-being in mother caregivers of individuals with down syndrome. *Frontiers in psychology*, *14*, 1145104. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1145104

Chung, G. S. K., Chan, X. W., Lanier, P., & Wong, P. Y. J. (2023). Associations between work–family balance, parenting stress, and marital conflicts during COVID-19 pandemic in Singapore. *Journal of Child and Family Studies*, *32*(1), 132-144. doi: 10.1007/s10826-022-02490-z

Enayat, H., & Yaghobi, M. (2012). Relationship between Marital Conflict and Domestic Violence Against Girls. *Quarterly Journal of Woman and Society*, *3*(11), 1-30. https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1391.3.11.1.9 [In Persian]

Ghobadi M, Moradi O, Yarahmadi Y, Ahmadian H. (2021). Developing a Causal Model of Marital Burnout Based on Differentiation, Resilience, and Emotion Regulation. *MEJDS*, 11 ,151-151. URL: http://jdisabilstud.org/article-1-2246-en.html [In Persian]

Ghorbankhani, M., Salehi, K., Khodaie, E., Moghadazadeh, A., & Dehghani, M. (2022). A System of Indicators for Assessing the Teacher Readiness in Primary Education: a Systematic Review. *Research in School and Virtual Learning*, 10(1), 109-125. https://doi.org/10.30473/etl.2022.61342.3646 [In Persian]

Haji Sattari Mamqani N. (2021). The Effectiveness of Cognitive Behavioral Therapy Based on Mindfulness on personal-social adjustment and self-differentiation in mothers of children with ADHD. JNIP, 9 (13) ,1-11. URL: http://jnip.ir/article-1-556-en.html [In Persian]

Haji-Rostamloo, R., Farhangi, A.-H., & Hosseinpour, R. (2023). Relationship between Psychological Capitals and Communication Patterns with the Mediation of Self- differentiation and Interpersonal Forgiveness with Life Satisfaction among Married Women of Tehran. *Salāmat-i ijtimāī (Community Health)*, *10*(1), 1–14. https://doi.org/10.22037/ch.v10i1.31668 [In Persian]

Ho, M. Y., & Liang, S. (2021). Emotion-oriented coping and parental competency: An evidence-based parenting intervention for parents of children with special educational needs. *Child & family social work*. *26*(4), 518-529.c https://doi.org/10.1111/cfs.12834

Hosseini, F., Sanaei Zaker, Bagher (2005). Comparing maritial conflict of parents to their married children maritial conflict . *The Journal of New Thoughts on Education*, *1*(4), 79-96. https://doi.org/10.22051/jontoe.2005.280 [In Persian]

Islam, M. S., Rahman, M. M., Rashid, M. H. A., Abedhan, M. F., Prodhan, M. S., Bashar, M. A., & Uddin, M. N. (2019). Parent's attitude towards their mentally retarded children: A descriptive, cross-sectional, comparative and analytical study. *Scientific Research Journal (SCIRJ)*, VII(V).71-78. https://www.scirj.org/may-2019-paper.php?rp=P0519654

Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.

Lampis, J., Cataudella, S., Agus, M., Busonera, A., & Skowron, E. A. (2019). Differentiation of self and dyadic adjustment in couple relationships: A dyadic analysis using the actor-partner interdependence model. *Family process*, *58*(3), 698-715. DOI: 10.1111/famp.12370

Lee, Y. E. (2022). Relations between childhood emotional insecurity, self-esteem, and adulthood marital conflict in South Korea. *Family Relations*.1-13**.** https://doi.org/10.1111/fare.12743

Lessani S, Shahgholian M, Sarafraz M R, Abdollahi M H. (2021). Prediction of pathological narcissism based on childhood trauma with the mediating role of self-compassion deficit and shame. *Journal of Psychological Science*. *20*(97), 77-88. URL: http://psychologicalscience.ir/article-1-917-en.html [In Persian]

Li, X., Zhou, N., Fang, X., & Cao, H. (2020). Marital conflict resolution and marital affection in Chinese marriage: Integrating variable-centered and person-centered approaches. *Marriage & Family Review*, *56*(4), 369-389. https://doi.org/10.1080/01494929.2020.1712575

Lotfi B, Jajarmi M, Mohammadipor M. (2020). The Effectiveness Of Communication Theory Based On Communication Theory On Distinction And Couples' Marital Conflicts. Nursing And Midwifery Journal, 18 (4), 330-340. URL: http://unmf.umsu.ac.ir/article-1-4069-en.html [In Persian]

Luthans, F., Avolio, B. J., Avey, J. B., & Norman, S. M. (2007). Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. *Personnel Psychology, 60*, 541-572. https://doi.org/10.1111/j.1744-6570.2007.00083.x

Mofid, V., Fallahchai, S. R., & Samavi, S. A. (2022). Consequences of Childhood Sexual Abuse on Quality of Marital Relationship in Men and Women: A Qualitative Study. *Biannual Journal of Applied Counseling, 12*(1), 1-30. https://doi.org/10.22055/jac.2022.40860.1884 [In Persian]

Mohammadi, M., Alibakhshi, Z., & Sedighi, M. (2019). The effect of Self-differentiation Training Based on Bowen Theory on Women's Self-differentiation and Marital Satisfaction. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*, 7(4), 1914-1921. DOI:10.22038/jmrh.2019.36432.1398

Mónico, L. M., Pais, L., dos Santos, N. R., & Santos, D. (2014). Psychological capital in Portuguese workers: Contributions to the validity and reliability of the Psycap Questionnaire. In *Proceedings of the SGEM Conferences on Social Sciences and Arts*.1, 319-326. DOI:10.5593/sgemsocial2014/B11/S1.042

Naughton, A. M., Maguire, S. A., Mann, M. K., Lumb, R. C., Tempest, V., Gracias, S., & Kemp, A. M. (2013). Emotional, behavioral, and developmental features indicative of neglect or emotional abuse in preschool children: a systematic review. *JAMA pediatrics*, 167(8), 769-775. DOI: 10.1001/jamapediatrics.2013.192

Olusanya, B. O., Kancherla, V., Shaheen, A., Ogbo, F. A., & Davis, A. C. (2022). Global and regional prevalence of disabilities among children and adolescents: Analysis of findings from global health databases. *Frontiers in public health*, *10*, 977453. https://doi.org/10.3389/fpubh.2022.977453

Pournaghash-Tehrani S S, Amini-Tehrani M. (2019). The Impact of Adverse Experiences in Childhood Relationships on the Mental Health of University Students. *Iran J Health Educ Health Promot*, 7 (2) ,231-244. URL: http://journal.ihepsa.ir/article-1-1134-en.html [In Persian]

Ramezanloo, M., Abolmaali Alhosseini, K., Bagheri, F., & robatmili, S. (2020). Lived experience of mothers' children with autism spectrum disorder: A phenomenological study. *Psychology of Exceptional Individuals*, 10(39), 133-174. https://doi.org/10.22054/jpe.2021.56808.2252 [In Persian]

Rashidi F, Monirpour N, Dokanehi Fard F. (2021). The Model of Emotional Divorce based on Differentiation with the Mediating Role of Personality Structure and Attachment Styles. *Islamic Life Style*, 5 (2) ,136-151. URL: http://iase-idje.ir/article-1-1188-en.html [In Persian]

Roshannejhad,, N., Bayanfar,, F., talepasand, S. (2019). Predicting Marital Adjustment among Young Couples based on Personality Traits, Differentiation of Self and Psychological Hardiness. Journal of Clinical Psychology, 11(1), 93-107. doi: 10.22075/jcp.2019.17207.1632

Sadri Damirchi, A., Fathi, D., & Hashemi Mehr, M. (2020). Investigating the role of mediation of differentiation in attachment styles and affiliation-family adaptation with marital disturbance of parents with special learning disorders. *Journal of Learning Disabilities*, 9(2), 58-80. https://jld.uma.ac.ir/article_856.html?lang=en [In Persian]

Saket, M. H., Davari, R., & Pasha Sharifi, H. (2023). The mediating Role of Perceived Social Support and Differentiation in Explaining Structural Relationships between Psychological Capital and Psychological Well-Being of Students. *Journal of Excellence in counseling and psychotherapy*, 1(45), 14. https://sanad.iau.ir/en/Article/932130 [In Persian]

Sarwar, F., Panatik, S. A., Jameel, H. T., Wan Mohd Yunus, W. M. A., & Muhamad, S. N. (2022). Psychological capital, social support and wellbeing in mothers of children with autism spectrum disorder. *Sage Open*, *12*(3), 21582440221121773. https://doi.org/10.1177/21582440221121

Seyfizadeh, H., Zareei Mahmodabadi, H., & Bakhshayesh, A. R. (2019). The Reletionship Between Early Maladaptive Schemas And Marital Adjustment With Mediation Fear Of Intimacy In Married People. *Journal Of Family Research*, *15*(4), 467-486. https://jfr.sbu.ac.ir/article_97783.html?lang=en [In Persian]

Shabani , M. G., Karaminejad, J., Namjoo, B., & Namjoo, F. (2019). Relationship between Work-Family Conflict and Marital Conflict with a Mediating Role of Psychological Capital. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling (JARAC)*, 1(1), 1-13. https://journals.kmanpub.com/index.php/jarac/article/view/7 [In Persian]

Shariat S, Keshavarz Mohammadi R, Hamidi M, Aghabzorgie S. (2018). Effect of teaching positive thinking on mental vitality and psychological capitals in the women with marital conflicts. *FPJ*, 4 (1) ,47-62. URL: http://fpcej.ir/article-1-174-fa.html [In Persian]

Sheikh Zeineddin, H., Farrokhi, N., & Abbaspoor Azar, Z. (2019). Mediating role of psychological capital in the relationship between personality features with marital adjustment in students. *Applied Psychology*, 12(3), 439-462. https://doi.org/20.1001.1.20084331.1397.12.3.7.5 [In Persian]

Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. Journal of Counseling Psychology, 45(3), 235–246. https://doi.org/10.1037/0022-0167.45.3.235

Tehrani Azad, L., & Mogtabaei, M. (2019). The sructural relationships between marital satisfaction and conflict resolution based on the mediatory role of couples' psychological capital. Applied Psychology, 13(3), 475-496. doi: 10.29252/apsy.13.3.475 [In Persian]

Tofighi Mohammadi M, Babakhani V, Ghamari M, Pooyamanesh J. (2022). The efficacy of reality therapy on differentiation and distress tolerance of mothers of intellectual disabilitie children. *Journal of Psychological Science*. *21*(118), 2107-2122. doi: 10.52547/JPS.21.118.2107 [In Persian]

Zeidner, M., & Kloda, I. (2013). Emotional intelligence (EI), conflict resolution patterns, and relationship satisfaction: Actor and partner effects revisited. *Personality and Individual Differences*, 54(2), 278-283. https://doi.org/10.1016/j.paid.2012.09.013

Zhang, C. H., Li, G., Fan, Z. Y., Tang, X. J., & Zhang, F. (2020). Psychological capital mediating the relationship between childhood trauma and alexithymia in Chinese medical students: a cross-sectional study. *Psychology research and behavior management*, 1343-1352. doi: 10.2147/PRBM.S288647

©The Author(s). Published by Family Psychology Association of Iran
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)